

بحران در اقتصاد جهانی و آثار آن بر بازار نفت



جریان دومینو وار است، افتادن یک مهره می تواند همه مهره ها را بخواباند؛ به ویژه این که بحران اخیر، هم طرف مصرف و هم طرف تولید کالاها و خدمات را، خصوصاً در بزرگترین اقتصاد جهان، تحت تأثیر قراردادده است. بحران کم سابقه در نظام بانکی ایالات متحده، ورشکستگی چندین بانک و مؤسسات عمده اعتباری و قرار گرفتن برخی دیگر از بانک ها و مؤسسات اعتباری در آستانه ورشکستگی و کاهش قدرت وام دهی در کل نظام بانکی، پدیده ای است که هم تحقق سرمایه گذاری های جدید و هم تداوم تولید فعلی را دچار مشکل می کند و کاهش تولید طبعاً به معنای کاهش در تقاضا و مصرف انرژی در بخش تولید کالاها و خدمات است.

همزمان شدن قرارگیری قیمت های جهانی نفت در مسیر نزولی با بروز بحران اقتصادی در جهان، نشان داد که مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر روند افزایشی گذشته قیمت ها، عوامل اساسی و عمدتاً عامل فزونی تقاضا بر عرضه و فقدان ظرفیت های مازاد تولید بوده اند. همان طور که در خبر و نظر شماره ۱۰۳ اقتصاد انرژی (خردادماه) تحت عنوان: «تداوم روند فزاینده قیمت و افسانه زدائی از بازار نفت»، پیش بینی کردیم: در شرایط مذکور، تنها بروزی بحران اقتصادی گسترده در جهان می توانست موجب تغییر روند قیمت های نفت شود که اینک این پدیده اتفاق افتاده است. جریان تحولات در اقتصاد و خصوصاً در مسیر سقوط، یک

تشدید می‌کند.

در ایالات متحده که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی و مصرف‌کننده یک چهارم نفت جهان است، براساس گزارش اداره اطلاعات انرژی، میزان تقاضای نفت این کشور در ماه ژوئیه به پایین‌ترین سطح خود طی دوره مشابه در ۱۱ سال گذشته رسید، به طوری که میزان مصرف نفت در این ماه نسبت به برآورد قبلی ۷۳۶ هزار بشکه در روز و نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۳۳۵ هزار بشکه در روز کاهش یافت.

بحران سقوط بانک‌ها و بازارهای سهام به آمریکا محدود نمی‌شود. در عین حال، ایالات متحده مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بازار برای اغلب صادرکنندگان عمده جهان است و اُفت فعالیت‌های اقتصادی و خصوصاً کاهش تقاضا و مصرف در این کشور بازارهای بسیاری از دیگر تولیدکنندگان جهان را محدود می‌کند. چین و هند مهم‌ترین پتانسیل‌های رشد تقاضای نفت خام طی سال‌های گذشته بوده‌اند. بنابراین اگر ابعاد بحران به این کشورها و خصوصاً چین، نیز گسترش یابد و رشد اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی این کشور را کاهش دهد به تبع آن کاهش تقاضا برای نفت خام نیز تشدید خواهد شد. اگر مقایسه‌ای میان افزایش قیمت‌های جهانی نفت طی چند سال گذشته و شوک اول نفتی به عمل آوریم، ملاحظه خواهیم نمود که در

اما بحران به این بخش محدود نگردیده است. همان بحران در بخش تولید، در کنار نیاز بانک‌ها به نقد کردن سریع دارایی‌های قابل نقدشوندگی خود و از جمله فروش سهام برای پاسخگویی به تعهداتشان، موجب سقوط بازارهای بورس سهام گردیده است. سقوط بازارهای بورس نیز غالباً یک پدیده خودافزا است، چراکه نگرانی از سقوط بیشتر آن در آینده نزدیک، همه در دست‌دارندگان سهام را در موقعیت فروش و عرضه قرار می‌دهد و سبقت‌جوئی عرضه سهام بر تقاضای آن، ارزش سهام را به کاهش هرچه بیشتر سوق می‌دهد. از سوی دیگر در جامعه‌ای که بخشی از دارایی‌های اغلب مردم به صورت سهام است و ارزش دیگر دارایی‌های عموم مردم یعنی مسکن نیز قبلاً سقوط کرده است، نگرانی روزافزونی نسبت به آینده به وجود می‌آید. شاخص اعتماد مصرف‌کنندگانی که خود را در معرض کاهش دارایی‌هایشان می‌بینند اُفت می‌کند و نتیجه این می‌شود که در یک جامعه مصرفی، مصرف‌کنندگان، مصارف خود را کنترل کرده و تقاضای خود را برای همه کالاها و خدمات و از جمله حامل‌های انرژی، کاهش می‌دهند. کاهش تقاضا برای حامل‌های انرژی، مستقیماً موجب کاهش قیمت نفت می‌شود؛ و کاهش تقاضا برای سایر کالاها و خدمات موجب تشدید رکود در بخش تولید گردیده و کاهش تقاضای انرژی در بخش تولید را



در اوپیک نخواهد بود، اما در شرایط فعلی آمادگی دارد که با برخورد فعال تر با اوپیک، هم سازمان را به کنترل بیشتر بازار و کاهش تولید تشویق نماید و هم خودش در این رابطه همکاری نماید. اگر روسیه در این زمینه جدی باشد، با توجه به نفوذ خود در کشورهای آسیای میانه و تعاملش با کشورهای آن منطقه ممکن است کشورهای منطقه مذکور را نیز با خود و اوپیک همراه نماید. شرکت های نفتی نیز از کاهش قیمت ها نگرانند. ارزش سهام این شرکت ها به موازات سقوط در بازارهای بورس سهام همراه با بقیه شرکت ها سقوط کرده است و کاهش قیمت های می تواند موجب سقوط بیشتر ارزش سهام و نیز کاهش درآمدهای ایشان گردد و لذا ممکن است این شرکت ها نیز به طور غیر مستقیم با اوپیک همکاری نمایند.

نباید فراموش کرد که نفت کالائی ضروری بوده و کشت قیمتى تقاضای آن بسیار پائین است و لذا یک اضافه عرضه کوچک می تواند موجب کاهش قیمت ها با شدتی بسیار بیشتر از آن شود. کشورهای وابسته به نفت به همان میزانی که خود را به درآمدهای افزایش یافته نفتی سال های اخیر بیشتر وابسته کرده باشند باید نگرانی بیشتری داشته باشند و کنترل ها و سخت گیری های بیشتری را در اقتصادشان اعمال کنند.

ضمناً باید توجه داشت که کاهش درآمدهای کشورهای وابسته به نفت می تواند موجب کاهش تقاضای ایشان برای واردات کالاها و خدمات گردیده و به نوبه خود به تشدید رکود جهانی کمک کند. صرف نظر از مسأله نفت و اثر بحران اقتصادی موجود بر بازار آن، بدون شک این بحران آثار و تبعات گسترده ای را بر تحولات جهانی و حتی بر علم اقتصاد بر جای خواهد گذاشت. این بحران تا همین جا نیز بسیاری از نا کارائی های نظام سرمایه داری را آشکار کرده است و اغلب سیاست های به کار گرفته شده برای مقابله با آن، نقض آشکار اصول سیاست های بازار است. یکی از تبعات احتمالی این بحران، کند شدن سرعت پدیده جهانی شدن خواهد بود. سرعت جهانی شدن سرمایه، اقتصاد و تجارت، با سرعت شکل گیری ساختارها و نهادهای کنترل کننده و نظم دهنده بین المللی تناسب نداشته است و همین مسأله کنترل بحران را دشوار کرده است.

بحران اخیر همچنین شکاف هائی را در اتحادیه اروپا به وجود آورده است. کشورهای این اتحادیه برای نجات اقتصادهای خود سیاست هائی را به کار گرفته اند که با وحدت رویه های سیاست های پولی و مالی اتحادیه، مغایرت دارد. تشدید بحران می تواند این شکاف را تشدید نماید. ■

مدیر مسئول

جریان شوک اول نفتی، بخش اعظم درآمدهای اضافی نفت که در اثر افزایش قیمت های نفت عاید کشورهای عضو اوپیک و خصوصاً خاورمیانه شد، به تقاضای کالا و خدمات برای اقتصاد آمریکا تبدیل شد و کمک بزرگی به اقتصاد آمریکا کرد. اما این بار کشورهای نفتی با بهره گیری از تجربه منفی وارد کردن بی رویه درآمدهای بادآورده نفتی به اقتصاد داخلی خود در جریان شوک های نفتی دهه هفتاد، تقاضای خود برای کالاها و خدمات را چندان افزایش ندادند؛ و اگر چنین کرده بودند ممکن بود که از شدت بحران اقتصادی آمریکا کاسته شود و یا این بحران به تعویق بیفتد.

یکی دیگر از عوامل افزایش قیمت های نفت در سال های گذشته، هجوم سوداگران به بورس های پر رونق نفتی (بازار آتی های نفت) و افزایش معاملات آتی بود که با کاهش قیمت ها ممکن است حجم این معاملات نیز کاهش یابد و خود به کاهش بیشتر قیمت ها کمک کند.

بنابر آنچه ذکر شد در صورت تداوم بحران اقتصادی موجود جهان، روند کاهشی قیمت های جهانی نفت تشدید خواهد شد و در صورت تعمیق بحران نیز ممکن است این روند شدت بیشتری پیدا کند.

سازمان اوپیک و اعضای آن، سیاست کاهش تولید متناسب با کاهش تقاضا را در پیش گرفته اند که البته اجتناب ناپذیر نیز هست، اما به نظر می رسد که چندان تأثیر گذار نباشد؛ چرا که اولاً کاهش تولید نفت اوپیک به معنای افزایش ظرفیت مازاد تولید است و در حالی که در چند سال گذشته یکی از عوامل تأثیر گذار بر افزایش قیمت، فقدان ظرفیت های مازاد تولید در اوپیک بوده است، افزایش ظرفیت های مازاد تولید نوعی اطمینان خاطر را برای بازار به وجود می آورد و هر چند به لحاظ فیزیکی عرضه را کم خواهد نمود، اما می تواند به لحاظ روانی نوعی اطمینان خاطر را در بازار به وجود آورده و موجب تشدید روند نزولی قیمت شود. ثانیاً اغلب اعضای اوپیک که در چند سال گذشته به درآمدهای بالا عادت کرده اند، ممکن است در عمل، سهمیه های کاهش یافته خود را رعایت نکنند.

به نظر می رسد که هم بعضی از کشورهای غیر عضو اوپیک، مانند روسیه و هم بسیاری از شرکت های بین المللی نفتی، نگران کاهش قیمت های نفت هستند. اقتصاد روسیه به شدت وابسته به درآمدهای نفت و گاز است (قیمت های جهانی گاز نیز از نفت تبعیت می کند). علاقمندی اخیر روسیه به اوپیک را در همین راستا می توان تحلیل نمود. البته روسیه با توجه به شرایط ویژه خود طالب عضویت دائمی